

عنوان پادکست: در طلب خداوند

## در طلب خداوند - صداقت (بخش ۱)

### هیچ چیز پوشیده نیست

**نازی:** کلام خدا به ما نشان می‌دهد که چیزی به اسم گناه سرّی وجود ندارد.

**سابرینا:** خواهر عزیز شنونده، آن مواردی که از شوهرت پنهان نگاه داشتی، چیزهایی را که فکر می‌کنی هیچ وقت رو نخواهد شد، آن چیزهایی که از والدینت پنهان کردی، گناهی را که در خفا مرتکب شدی، پول دزدیده شده، وقت دزدیده شده، اموال دزدیده شده، حرف‌هایی که در خفا (من و شما) ممکن است درباره کسی گفته باشیم، و بالاخره، آن چیزهایی که ۵ سال پیش، ۱۵ سال پیش، یا ۵۰ سال پیش اتفاق افتاد و وجدان‌مان را آزار می‌دهد، اگر آنها را در زیر نور نیآوریم و اعتراف نکنیم، روزی بالاخره برملا خواهند شد.

**نازی:** شنوندگان گرامی، با برنامه‌ای دیگر از «پادکست دل‌هایمان احیا کن» با صدای سابرینا اصلان در خدمت شما عزیزان هستیم.

همانطور که می‌دانید، ما وارد سفری شده‌ایم که سفر به سوی بیداری روحانی است. در طول چند برنامه پیش در باره ارتباط فروتنی با بیداری روحانی شنیدیم. و در طول چند برنامه آینده خواهیم دید که سکوت همیشه ارزنده نیست و در این رابطه، ارتباط بین صداقت و راستی را با بیداری روحانی بررسی خواهیم کرد.

**سابرینا:** همه ما در [دوران] بچگی، وقت بازی دوست داشتیم تا نقش کسی را بازی کنیم ... مثل معلم، دکتر، پلیس، خلبان و بعضی شخصیت‌های کارتونی. یکی از نقش‌های مورد علاقه من، معلم‌بازی در مدرسه و یا کلیسا بود. متأسفانه وقتی که ما بزرگ هم می‌شویم، هنوز هم علاقه داریم که نقش ایفا کنیم و وانمود کنیم که نقشی را که بازی می‌کنیم خودمان هستیم. یکی از این نقش‌ها، نقش مسیحی بودن است. همانطور که می‌دانید، طی این برنامه‌ها، همه ما دعوت شده‌ایم تا وارد پروسه **در طلب خداوند** بشویم، پروسه و فرایندی که در طول آن، از خدا می‌خواهیم دل‌های ما را احیا کند تا بتوانیم به صورتی شخصی، بیداری روحانی و شادی حاصل از آن را تجربه کنیم. در برنامه امروز درباره یکی از بنیادی‌ترین اصول رسیدن به بیداری روحانی صحبت خواهیم کرد.

خصوصیتی که نبودن آن مانع بزرگی بر سر راه زندگی بیدار و پرنشاط مسیحی است. اگر یادتان باشد، در طول برنامه‌های قبل درباره یکی از این اصول بنیادی صحبت کردیم که فروتنی و شکستگی بود و دیدیم که بدون فروتنی و شکستگی، ما هرگز نمی‌توانیم به خدا نزدیک شویم. خدا با تکبر که متضاد فروتنی است مقاومت می‌کند و از اشخاص متکبر فاصله می‌گیرد. برعکس، کسانی که خودشان را در زیر دست زورآور خدا فروتن می‌کنند، او به آنها نزدیک می‌شود و آنها را بلند می‌کند، سرافراز می‌کند و برکت می‌بخشد. اگر ما واقعاً و صمیمانه می‌خواهیم بیداری روحانی را تجربه کنیم، بعد از فروتنی و شکستگی باید به اصل مهم دیگری هم توجه کنیم که صداقت راستی است. صداقت یعنی شفاف و راست بودن در مقابل خدا و دیگران. یعنی در باره وضعیت قلبی و درونی‌مان، شفاف و راست باشیم، وانمود نکنیم، و به قولی نقش بازی نکنیم. در این راستا، از شما دعوت می‌کنم که با من همراه شوید تا نگاهی به کتاب مزامیر در عهد عتیق بیندازیم. بخش‌های زیادی از این کتاب به اهمیت صداقت و بی‌پردگی در مقابل خدا اشاره می‌کند. اگر ما واقعاً می‌خواهیم با خدا ملاقات واقعی داشته باشیم، باید از ماسک‌ها و روبندهایی که برای خود ساخته‌ایم، خلاص شویم و دست از وانمودسازی و ایفای نقش برداریم. اولین متنی که می‌خواهم با هم به آن نگاه کنیم مزمور ۱۵ آیات ۱ و ۲ است. «خداوندا، کیست که در خیمه تو مهمان شود و کیست که در کوه مقدست ساکن گردد؟ آن که در صداقت گام بردارد و درستکار باشد و از دل، راست بگوید.» این مزمور توسط داوود نوشته شده است. او در باره نزدیک شدن به خدا صحبت می‌کند. او شرط اساسی وارد شدن به حضور خدا را صداقت و راستگویی می‌داند. آیه ۲ صریحاً می‌گوید آنکه در صداقت گام بردارد و از دل راست بگوید. جالب است که داوود تنها به این اکتفا نمی‌کند که شخصی راست بگوید. داوود بر این تأکید می‌کند که او از دل راست بگوید. داوود می‌دانست که موضوع صداقت و راست بودن چیزی است که مربوط به دل می‌شود و خدا هم به کسی اجازه می‌دهد تا به خیمه او وارد شود و در حضور مقدس او ساکن شود که از دل راست بگوید، صداقت قلبی داشته باشد، و از هرگونه ناراستی و تظاهر و وانمودسازی به دور باشد و در نهایت، نقش بازی نکند.

آنکه از دل راست گوید.

اگر به چند مزمور جلوتر پیش رویم، به مزمور ۲۴ می‌رسیم که این مطلب، دوباره تکرار می‌شود: «کیست که به کوه خداوند برآید و کیست که در مکان مقدس او بایستد؟ آنکه پاک دست و صاف دل باشد.» و بعد ادامه می‌دهد: «و قسم دروغ نخورد.» بله او که صاف دل باشد و قسم دروغ نخورد. اینها دوباره به صداقت و دوری از هرگونه ناخالصی قلبی اشاره می‌کند. و بعد به مزمور ۳۲ می‌رسیم. اگر به یاد داشته باشید، داوود مرتکب گناه وحشتناک زناکاری با بتشبع و قتل شوهرش شد. داوود اول سعی می‌کند گناه خود را بپوشاند و نقش یک شخص بی‌گناه را بازی کند. ولی خدا توسط ناتان نبی او را متوجه این موضوع کرد. و بعد داوود تصمیم می‌گیرد که از گناه خود پرده برداری کند و آن را صادقانه به خدا اعتراف کند. مزمور ۳۲ یکی از آن مزامیری است که داوود آن را در این برهه از زندگی‌اش نوشت تا نشان دهد که او در زمانی که گناه خود را می‌پوشانید و هنوز از آن پرده برداری نکرده بود، از چه مراحل گذشت. داوود در آیه اول مزمور ۳۲ می‌گوید: «خوشا به حال آن که عصیان‌ش آمرزیده شد و

گناهِش پوشانیده گردید.» ولی چه کسی این گناه را پوشانید؟ مزمور ۳۲ صریحاً به ما نشان می‌دهد که اگر ما بخواهیم گناهان را ببوشانیم، شخصی مبارک و برکت یافته نیستیم. و در واقع، خوشا به حال ما نیست! ولی اگر آن را زیر نور مسیح بیاوریم و از آن در حضور خدا پرده برداری کنیم، خدا آن را خواهد پوشانید. پس فرق فاحشی هست بین اینکه خدا گناه را ببوشاند یا ما گناهان را ببوشانیم. آنچه که در طول این برنامه می‌خواهیم درباره آن صحبت کنیم این است که پوشاندن گناه عملی است خطرناک. در طول این برنامه‌ها خواهیم دید چقدر ما نیاز داریم که با خدا صادق، بی پرده، و راست باشیم و این خود باعث خواهد شد تا با دیگران هم صادق و بی پرده باشیم. وقتی که ما پوشش را از روی گناهانمان برمی‌داریم، آنجاست که خدا به وسیله خون مسیح بر گناهانمان پوشش قرار می‌دهد. چه حقیقت عمیقی! چه خوشی عظیمی!

برای همین داوود می‌گوید: «خوشا به حال آن که عصیان‌ش آمرزیده شد و گناهِش پوشانیده گردید.» به همین ترتیب، داوود ادامه می‌دهد: «خوشا به حال آنکه خداوند خطایی به حسابش نگذارد و در روحش فریبی نباشد.» بله کسی که در روحش فریبی نیست، کسی که وانمود نمی‌کند، تظاهر و ریا ندارد، کسی که نقش بازی نمی‌کند، خوشا به حال چنین کسی. داوود در آیه ۳ می‌خواهد به ما بگوید چون من سعی کردم که گناهان را ببوشانم، نقش بازی کنم، و وانمود کنم که همه چیز خوب است و هیچ اتفاقی در پس پرده نیافتاده، به خاطر اینکه سعی کردم از خداوند ببوشانم، خوشا به حال من نشد و من در وضعیت اسفناکی افتادم. بیایید از آیه ۳ به بعد ببینیم که او وضعیت خودش را چگونه تشریح می‌کند. «هنگامی که خاموشی گزیده بودم،» یعنی وقتی که در باره گناهان سکوت اختیار کرده بودم، «هنگامی که خاموشی گزیده بودم، استخوان‌هایم می‌پوسید از ناله‌ای که تمام روز بر می‌کشیدم. زیرا دست تو روز و شب بر من سنگینی می‌کرد، طراوتم به تمامی از میان رفته بود بسانِ رطوبت در گرمای تابستان.»

این دقیقاً تصویری است از زمانی که خدا ما را به گناهان ملزم می‌کند و آن را دائماً جلوی چشم‌مان می‌آورد. اگر شما این احساس را درک نمی‌کنید، شاید این بدان معنا است که ایماندار به مسیح و فرزند خدا نیستید. چون فرزند خدا و یک ایماندار واقعی وقتی که گناه می‌کند، الزاماً روح‌القدس و سنگینی آن را به حدی بر خود حس می‌کند که گویا نفس کشیدن برایش دشوار به نظر می‌رسد. برای همین داوود می‌گوید: روز و شب دست تو بر من سنگینی می‌کرد و طراوت و قوت‌م تماماً از بین رفته بود. مثل شخص تشنه و بی حالی که گرمای تابستان او را از پا درآورده باشد. ولی داوود در آیه ۵ ادامه می‌دهد: «آنگاه به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرمم را پنهان نداشتم.»

در اینجا ما می‌بینیم که داوود تصمیم مهمی می‌گیرد: او نسبت به الزامات روح خدا بی‌تفاوت نیست و از آنها فرار هم نمی‌کند. داوود به خدا پاسخ مثبت می‌دهد. او تصمیم می‌گیرد که هر نوع روح پنهان کاری را کنار بگذارد و با خدا صادق و راست باشد. داوود آن کسی که در باره گناهِش سکوت اختیار کرده بود و نقش یک آدم بیگناه را بازی می‌کرد، در حضور خدا ماسک‌ش را برمی‌دارد و گناهِش را در حضور خدا اعتراف می‌کند و جرمش را پنهان نمی‌کند. وقتی داوود این کار را می‌کند، این خداست که جرم و گناه او را می‌پوشاند. در آخر آیه ۵ می‌خوانیم که

داوود می‌گوید: «عصیان خود را نزد خداوند اعتراف خواهیم کرد و تو جرم گناه را عفو کردی» و این همان اعتراف به گناه است. اعتراف به گناه یعنی اول اینکه حقیقت گناه خود را ببینیم. و دوم اینکه، با خدا درباره آن هم‌عقیده شوم، آن را پنهان نکنم، نپوشانم، و وانمود نکنم که همه چیز خوب است و هیچ اتفاقی نیفتاده. بلکه در حضور خدا از آن پرده برداری کنم و در باره آن صادق و روراست باشم.

صداقت و راستی نشان دادن، ما را به سوی اعتراف به گناه سوق می‌دهد. آخرین آیه می‌گوید: «تو جرم مرا عفو کردی»، تو گناه را پوشانیدی. ما با اعتراف قلبی از گناه خودمان در حضور او پرده برداری می‌کنیم و مثل او درباره گناهمان فکر می‌کنیم. خدا وعده می‌دهد که گناه ما را ببوشاند و آن را عفو کند. چگونه؟ با خون گرانبهای مسیح! تنها و تنها [خون مسیح و] قدرت پوشاندگی و عفو کنندگی آن قادر است گناه ما را از بین ببرد. اما به یاد داشته باشیم که اگر تمام سعی و تلاش ما این باشد که جرم و گناه خودمان را پنهان کنیم، در آن وقت ما خدا را مجبور می‌کنیم که او از گناه ما در مقابل همگان پرده برداری کند.

امثال سلیمان فصل ۲۸ آیه ۱۳ می‌گوید: «هر که نافرمانی‌های خود را ببوشاند، کامیاب نخواهد شد. اما هر که آنها را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت.» عزیزان، بیایید به این اصل توجه کنیم که رو راستی با خدا، باید روش و سبک زندگی ما باشد. چطور ممکن است از خدایی که همه چیز را می‌بیند و می‌شنود چیزی را پنهان کرد؟ و طوری زندگی کرد که گویا او ندیده و نشنیده است؟ راستش این به من انگیزه می‌دهد که همواره زندگی‌ای شفاف و بی پرده و در راستی و صداقت در خودم پرورش بدهم. در عین حال به یاد داشته باشیم که مسیح در لوقا ۱۲ آیات ۲ و ۳ می‌گوید که هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد.

خواهر عزیز شنونده، آن مواردی که از شوهرت پنهان نگاه داشتی، چیزهایی را که فکر می‌کنی هیچوقت رو نخواهد شد، آن چیزهایی که از والدینت پنهان کردی، گناهی را که در خفا مرتکب شدی، پول دزدیده شده، وقت دزدیده شده، اموال دزدیده شده، حرف‌هایی که در خفا (من و شما) ممکن است درباره کسی گفته باشیم، و بالاخره، آن چیزهایی که ۵ سال پیش، ۱۵ سال پیش، یا ۵۰ سال پیش اتفاق افتاد و وجدان‌مان را آزار می‌دهد، اگر آنها را در زیر نور نیاوریم و اعتراف نکنیم، روزی بالاخره برملا خواهند شد.

آیات زیادی در کلام خدا درباره این اصل صحبت می‌کنند. مسیح در لوقا ۱۲: ۲-۳ وقتی که می‌گوید هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد، سپس ادامه می‌دهد: آنچه در تاریکی گفته‌اید در روشنایی شنیده خواهد شد. و آنچه پشت درهای بسته نجوا کرده‌اید، از فراز بامها اعلام خواهد شد.

چه بخش‌های سری و پنهانی در زندگی شما وجود دارد؟ در گذشته؟ در زمان حال؟

من و شما فکر می‌کنیم که آنها را قایم کرده‌ایم و هیچ وقت آشکار نخواهند شد. ولی کلام خدا می‌گوید هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نگردد و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد. در عبرانیان ۴: ۱۳ صحبت از خصوصیتی بسیار مهم درباره خدا می‌کند: «هیچ چیز در آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او

که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.» توجه کنید به این قسمت که می‌گوید خدایی که حساب ما با اوست! بله، روزی ما باید به خدا حساب پس بدهیم و این حقیقتی ترسناک است مگر آن که امروز در حضور خدا و در نور او از گناهانمان پرده برداری کنیم تا او گناهانمان را با خون مسیح بپوشاند. در آن روز یعنی روز داوری، خون مسیح حساب ما را پاک نموده است. اگر ما به آن روز نگاه نکنیم، در ساده و راست بودن با خدا و دیگران هیچگاه جدی نخواهیم بود.

یکی از اتفاقات مشترک و معمول در بیداری‌های روحانی این است که مردم به صورتی بسیار عمیق، شروع به فکر کردن در باره ابدیت و داوری خدا می‌کنند. آنها تحت الزام روح‌القدس به این نتیجه می‌رسند که گناهایی که آنها سعی در پنهان کردن و پوشانیدن داشتند، بی اهمیت نیستند. خدا به آنها نشان می‌دهد آن چیزهایی که به نظر کوچک و قابل صرف‌نظر بود، و گناهایی که بدون پیامد به نظر می‌رسیدند، از اهمیت زیادی برخوردارند و باید مورد رسیدگی قرار گیرند. در این جاست که با ماتم و گریه شروع به اعتراف کردن به گناهانمان می‌کنند و اگر لازم باشد حتی از کسانی که به آنها گناه کرده‌اند، عذرخواهی می‌کنند و حتی به آنها ریاکاری و روحیه تزویر خودشان را نیز اعتراف می‌کنند و می‌گویند مرا ببخش که من دروناً چیز دیگری بوده‌ام و سعی کرده‌ام که به دیگران نشان دهم که چه ایماندار خوب و روحانی‌ای هستم. آنها نسبت به گناهشان با خدا و دیگران در صداقت و روراستی برخورد می‌کنند. اگر من و شما در صدد آن هستیم که حیات روحانی و پُرنشاطِ خدا در ما آزاد شود، اگر واقعا ما دلمان می‌خواهد که احیا شویم، باید با خدا و دیگران صادق و بی پرده باشیم حتی اگر قدمی دشوار و دردناک باشد و برای ما خیلی گران تمام شود. داوود در مزمور ۵۱: ۶ به خدا می‌گوید: «اینک به راستی در قلب مشتاقی.»

قلب در کتاب مقدس اشاره به درون ماست، درونی که از نظر مخفی است ... درونی که از بیرون کسی آن را نمی‌بیند و داوود می‌داند که نه تنها خدا تمام آنان را می‌بیند بلکه او مشتاقِ رو راستی و صداقت درونی ما هم هست.

بنابراین سوال اصلی این است: آیا شما چیزی را پنهان می‌کنید؟ چه چیزی را زیر پوشش قرار داده‌اید؟ چه چیز پنهانی در زندگی شما هست که نگرانید نکند کسی از آن باخبر شود. شاید به نظر شما چیز بزرگی نباشد، گناه بزرگ و خجالت‌آوری نباشد، ولی شما را تشویق می‌کنم اگر چیزی در زندگی شما هست که هنوز در حضور خدا از آن پرده برداری نکرده‌اید و هنوز با دید خدا با آن برخورد نکرده‌اید، اگر گناه خود را پوشانیده‌اید، امروز اگر صدای روح‌القدس را می‌شنوید، برای اطاعت از او و اعتراف، دل خودتان را سخت نکنید. در امثال سلیمان ۱۳: ۲۸ دیدیم که کلام خدا به ما گوشزد می‌کند که کامیاب نخواهیم شد. در چه صورت کامیاب نخواهیم شد؟ در صورتی که گناه خود را بپوشانیم. او همین الان مشتاق و منتظر دیدن راستی و صداقت قلبی شماست تا شما را کامیاب کند. و به شما بگوید خوشا به حال تو که عصیان‌آمیز شده و گناهت پوشانیده شد. خوشا به حال تو!

**نازی:** برنامه امروز به دور موضوعی پر اهمیت به نام صداقت می‌گردد که یک فصل از کتاب **در طلب خداوند** را در بر می‌گیرد. این کتاب درباره بیداری روحانی و تجربه شادی بخش آن است. از شما دعوت می‌کنیم این کتاب را تهیه کنید و همراه با این برنامه، آنرا مطالعه کنید. تا برنامه آینده شما را به دست خدای راستی می‌سپاریم.

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم ناسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.